# اربعین

# اعتکاف در حرکت

نگاهی متفاوت به کنگره عظیم اربعین حسینی
برگرفته از بیانات استاد عابدینی



تمحیص
مرکز تنظیم و نشر آثار استاد محمدرضا عابدینی
www.Tamhis.ir

# اربعین

# اعتکاف در حرکت

نگاهی متفاوت به کنگره عظیم اربعین حسینی
برگرفته از بیانات استاد عابدینی


**کاری از:** موسسه فرهنگی هنری تمحیص

**تحقیق:** محمدجواد اشرفی

**ویراستار:** سید محمدمهدی سلیمان پناه

**صفحه آرایی:** مرتضی قائمی

**طراح جلد:** علی دیمه کار

تمحیص
موسسه فرهنگی پژوهشی تمحیص
نشر آثار استاد عابدینی

# فهرست

## پیشگفتار

حادثه عاشورا به عنوان نتیجه تمام نبردهای حق علیه باطل در طول تاریخ انسانی و نقطه عطف و گلوگاه تاریخ از منظر الهی است که گذشته را به آینده پیوند می‌دهد و در تاریخ پیش روی خویش امتداد می‌یابد و سرنوشت تاریخی- تمدنی بعد از خود را نیز رقم می‌زند. لذا می‌توان تاریخ را به قبل و بعد از عاشورا تقسیم کرد و بر این اساس حرکت کاروانی امام حسین (علیه‌السلام) از مکه تا کربلا و حادثه عظیم عاشورا را جاری کننده خون حیات در رگ‌های تاریخ بشریت برشمرد و امام حسین (علیه‌السلام) را قلب تپنده آن دانست

کاروان حسینی در ادامه حرکت خود پس از عاشورا با هدایت و ولایت امام سجاد (علیه‌السلام) و قافله‌سالاری زینب کبری (سلام الله علیها) راه خود را ادامه می‌دهد و قیام و نهضت عاشورا را به ثمر می‌رساند و در عین اسارت ظاهری، فریاد آزادگی را در عالم ثبت می‌کند و واقعه اربعین را رقم زده و علامتی خاص برای اهل ایمان به یادگار می‌گذارد

لذا امروزه به برکت حرکت کاروانی سیدالشهدا نهضت عظیمی ایجاد شده است که مؤمنان در پیاده‌روی اربعین، بستر ظهور را محقق کرده و وادی سلوک توحید ولایی را طی کنند تا به توحید الوهی برسند و با مشق قدم عاشقی در کوی محبت حسینی خود را از تعلقات دنیایی تکانده و قدم به قدم به سوی معشوق حرکت کنند تا در این اعتکاف به وصال برسند

کتابچه پیش رو که به مناسبت اربعین حسینی تدوین گردیده است، حاصل سخنرانی‌های استاد عابدینی از سیر مباحث انسان‌شناسی و مهدویت است که بخش‌هایی از آن با مباحث سمت خدا عجین شده است تا برای شیفتگان کاروان اربعین حسینی عرضه گردد

در این کتابچه مباحث مرتبط با کتاب «قدم عاشقی» در پاورقی مشخص شده است تا مخاطبان برای مطالعه بیشتر به این کتاب ارزشمند مراجعه کنند؛ لذا از جهتی این کتابچه تلخیصی از کتاب قدم عاشقی به حساب می‌آید با این تفاوت که نگاه ما در اینجا آن است که علاوه بر بحث‌های تبیینی در رابطه با اربعین حسینی، بحث‌های تجویزی برای ارتقای فرهنگ اربعین نیز بیان شود

خداوندا! با فقر و گدایی به پیشگاه عزت و عنایت تو و به آستان ولایت مقربان درگاهت آمدیم. بدین درگاه، بارمان ده و از جام ولایی رحمانی و رحیمی خویش کاسه گدایی ما را لبریز کن. آمین یا رب العالمین

محرم‌الحرام ۶۴۴۱- مردادماه ۳۰۴۱

فهرست

## مقدمه

### قله‌های تاریخ[1]

تحلیلگران در طول تاریخ، همواره دنبال نقاط عطف هستند تا وقایع را به کمک آن تفسیر کنند؛ به عنوان مثال اندیشمندان غربی سه دوره پارینه سنگی، قبل از میلاد و دوران رنسانس نقاط عطف تاریخ بیان کرده‌اند اما قرآن کریم دیدگاه متفاوتی دارد. قرآن نقاط عطف تاریخ را بعثت انبیای اولوالعزم معرفی می‌کند و تاریخ را به وسیله این قله‌ها تفسیر می‌کند.

خداوند متعال با بعثت انبیای اولوالعزم، نیازهای مردم را پاسخ گفته[2] و آنها را رشد می‌داده است، لذا انبیای الهی یکی پس از دیگری ظرفیت بشر را وسعت می‌بخشیدند تا تاریخ به دوران بلوغ خود یعنی دوران نبی ختمی می‌رسد که نیازهای انسان، ثباتی نسبی می‌یابد و خداوند متعال برای این امت، احکام واحدی می‌فرستد که پاسخگوی تمام نیازهای وسیع ایشان باشد

با این دیدگاه، رشد بشری در هیچ دورانی متوقف نمی‌شود و همیشه درک بیشتری نسبت به احکام الهی پیدا می‌کند و کمال بیشتری در احکام، اخلاق و عقاید برای او ایجاد می‌شود؛ لذا این سیر رشد بشریت در زمان حضرات معصومین هم ادامه پیدا می‌کند و هر امامی متناسب با نیازهای دوران خود، مسائل را پاسخ می‌دهد و ظرفیت نیازهای آن دوران را ارتقا می‌بخشد تا این فراگیری

---

۱ ر.ک: قدم عاشقی، محمدرضا عابدینی، ص۲۷.

۲. قرآن کریم می‌فرماید: «یَسْئَلُهُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ كُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ» (الرحمن/۲۹) یعنی هر آن‌که در آسمان‌ها و زمین است حوائج خود را از خداوند متعال می‌طلبد و او هر روز متناسب به زمان شأنی از خود را بروز می‌دهد.

دین و کمال بشریت روزبه‌روز بیشتر محقق شود و به جریان ظهور برسد

## قیام عاشورا قله حرکت صعودی نبوی (ص)[1]

قیام سیدالشهدا در ادامه حرکت نبی اکرم (ص) تفسیر می‌شود؛ چون در این دوران روند رشد حق، در حال افول بود و مستکبرین می‌خواستند، تمام استعدادها و ظرفیت‌های بعثت نبوی و عصر محمدی (ص) را از بین ببرند؛ به همین خاطر ضرورت داشت یک ولی الهی قیام کند و تلألؤ نور حق را دوباره زنده کند و به جریان حق، جان تازه‌ای ببخشد

بنابراین شهادت امام حسین(ع) سبب رشد بشریت و نجات از گمراهی‌ها است؛ به همین خاطر است که برخی بزرگان شهادت حضرت را عوض از بیداری امت تعبیر کرده‌اند؛ چون ایشان علاوه بر اینکه با ظلم و ستم در زمان خودشان مقابله کردند، قبح آن را به صورت مصداقی به ما نشان دادند

قیام عاشورا و حرکت سیدالشهدا سه اثر منحصر به فرد دارد که نبی اکرم (ص) به آن اشاره می‌کنند:

حضرت سیدالشهدا صاحب مرتبه‌ای است که هیچ مخلوق دیگری به آن نمی‌رسد. این مرتبه همان جایگاه هدایت‌گری امام حسین (ع) است که در بین حضرات معصومین بی‌نظیر است. قلوب مردم آن‌قدر به سمت عاشورا مایل شده که هیچ واقعه‌ای همانند عاشورا نداریم که اینطور اثرگذار باشد

۱. ر.ک: قدم عاشقی، محمدرضا عابدینی، ص ۷۰.

خون سیدالشهدا شیعیان را به مقام شفاعت می‌رساند؛ یعنی علاوه بر اینکه خودشان به وسیله این قیام هدایت می‌شوند، دیگران را نیز شفاعت می‌کنند و در طریق هدایت ایشان قرار می‌گیرند؛ به همین خاطر است که در راهپیمایی اربعین، شیعیانْ سفره هدایت حضرت را پهن می‌کنند و بشریت را هدایت می‌کنند. کدام سفره در جهان وجود دارد که به این وسعت و با این سرعت، روزبه‌روز گسترده‌تر شود؟

خون سیدالشهدا (ع) ظهور حضرت مهدی را (عج) محقق می‌سازد. بنابراین می‌توان گفت: ظهور، جزای عاشوراست و یک رابطه‌ی عِلّی بین عاشورا و ظهور وجود دارد که اگر ما دنبال تحقق ظهور هستیم، باید عاشورا را پررنگ کنیم.[1]

همانطور که در برخی روایات آمده است: وقتی حضرت مهدی (عج) ظهور می‌کند، روی پرچم مبارک ایشان ذکر شریف «یا لثارات الحسین» نوشته شده است و ایشان با شعار خونخواهی ابی‌عبدالله (ع) ظهور می‌کند. پس معلوم می‌شود قیام عاشورا در آن دوران، بین همه مردم جهان شناخته شده است.[2]

---

۱. بحارالانوار ۴۴: ۲۲۵/ ۵ حدثنا عباد بن یعقوب، عن عمرو بن ثابت، عن أبی‌الجارود، عن أبی‌جعفر (علیه السلام)، قال: کان النبی (صلی الله علیه وآله) فی بیت أم سلمة (رضی الله عنه)، فقال لها: لا یدخل علی أحد. فجاء الحسین (علیه السلام) وهو طفل، فما ملکت معه شیئا حتی دخل علی النبی (صلی الله علیه وآله)، فدخلت أم سلمة علی أثره، فإذا الحسین علی صدره، وإذا النبی (صلی الله علیه وآله) یبکی، وإذا فی یده شئ یقلبه، فقال النبی (صلی الله علیه وآله): یا أم سلمة، إن هذا جبرئیل یخبرنی أن هذا مقتول، وهذه التربة التی یقتل علیها، فضعیها عندک، فإذا صارت دما فقد قتل حبیبی، فقالت أم سلمة: یا رسول الله، سل الله أن یدفع ذلک عنه. قال: قد فعلت، فأوحی الله عز وجل إلی: أن له درجة لا ینالها أحد من المخلوقین، وأن له شیعة یشفعون فیشفعون، وأن المهدی من ولده، فطوبی لمن کان من أولیا الحسین، وشیعته هم والله الفائزون یوم القیامة

۲. مخاطب ظهور، همه انسان‌ها هستند و اختصاص به مؤمنین ندارد. پس وقتی برای نجات همه انسان‌ها شعار «یا لثارات الحسین» سر داده می‌شود، باید بشریت از معنای این شعار مطلع باشد تا با آن ارتباط برقرار کند؛ لذا

امروزه بزرگ‌ترین حرکتی که این شعار را در بین جهانیان نشان می‌دهد، جریان راهپیمایی اربعین حسینی است که روزبه‌روز بر عظمت آن افزوده می‌شود و ما را به سمت ظهور سوق می‌دهد. پس اگر اسرای کربلا در عرض دو ماه توانستند جریان بنی‌امیه را از بین ببرند و حق را دوباره احیا کنند، ما نیز می‌توانیم با این جریان، ظهور را نزدیک کنیم؛ چون ما پا جای پای کاروان اسرا گذاشته‌ایم و این امتداد جریان کاروان اسرا است.

اگر در راهپیمایی اربعینْ نگاهمان را جهانی کنیم، نوع حرکت ما متفاوت می‌شود و تمام لایه‌های اجتماعی را حرکت می‌دهد که اثر این حرکت جذب شدن قلوب به سمت کمال حقیقی است؛ ولی اگر درست آن را نشناسیم و قدر آن را ندانیم و کوتاهی کنیم، مطمئن باشیم که در امر ظهور کوتاهی کردیم و این به راحتی قابل جبران نیست! حواسمان باشد مانع نباشیم. کمک‌کننده باشیم

لذا این نوشته تلاشی است برای تبیین جایگاه اربعین حسینی و نشان دادن ظرفیت عظیم این حرکت جهانی برای اقامه دین که به وسیله آن بتوانیم ظهور حضرت حجت (عج) را نزدیک کنیم



قیام ابی‌عبدالله در زمان ظهور بین همه مردم شناخته شده است.

فصل اول:

# عاشورا حقیقت مصداقی «مِن» عالی

## درآمد

تمام زحمت انبیا و اولیا در طول تاریخ، برای این است که انسان خودش را بشناسد و بداند که ابعاد مختلف وجود او محدود به دنیا نیست و موجودی جامع است که باید در همه عوالم وجود سیر کند و تمام مراتب هستی را بپیماید؛ لذا نقش انبیا در تبیین ذات انسان، نقشی حساس و اساسی است تا انسان به وسیله آن بتواند تمام احساسات و افعالش را براین اساس شکل دهد و فطرتی را که دارای شوق به کمال و فراری از کاستی است، درون خود اقناع کند

براین اساس، هرگاه انبیای الهی قیام می‌کردند، در عین اینکه اختلافاتی حل می‌شد، اختلافات دیگری هم شکل می‌گرفت تا ابعاد دیگری از «من» برای مردم شناسانده شود و فاصله بین «منِ» واقعی و «منِ» موهوم بیشتر مشخص شود

## عاشورا و معرفی «منِ» اصیل انسان

جریان پیغمبر اکرم (ص) و دین مبین اسلام برای شناساندن «من» حقیقی انسان است. «منِ اطلاقی و جامعی» که تمام انبیا مرتبه‌ای از آن را معرفی کرده بودند و در امت ختمی به صورت مطلق و کامل متجلی شده است. البته این من اطلاقی هم دارای مراتبی است که معرفی آن از زمان پیغمبر اکرم (ص) تا ظهور حضرت حجت (عج) طول می‌کشد.

در این میان، گردنه اصلی معرفی منِ اصیل و جامع انسان، جریان عاشوراست و خدای سبحان می‌خواهد کامل‌ترین مظاهر انسان حقیقی را در آن متجلی کند و حقیقت مصداقی «من» عالی را به ما نشان دهد

تا جریان حق و باطل به تمام مظاهرش تبیین شود و ما مرز بدی‌ها و خوبی‌ها را در این نبرد، آشکارا ببینیم و مصداقاً حس کنیم

به همین خاطر است که نگاه به جریان عاشورا بیدارگری ایجاد می‌کند، چون تمام حق و تمام دین مصداقاً پیاده شده است و منِ انسان که منِ دینش بود، بهتر در جریان عاشورا معرفی می‌شود. البته ائمه اطهار همگی به تبیین این منِ حقیقی پرداختند اما جریان عاشورا ظهور و بروز بهتری برای عموم مردم دارد.[1]

## نقطه‌ی اصلی نبرد حق و باطل

قرآن کریم نقطه اصلی نبرد منِ واقعی و منِ موهوم را در ارتباط با خداوند متعال ذکر می‌کند و می‌فرماید: عده‌ای پس از انبیای الهی جانشینی را غصب کرده، نماز را ضایع و از شهوات تبعیت کردند. از این بیان روشن می‌شود که اولین کاری که جبهه شیطان برای معرفی منِ موهوم می‌کند، این است که رابطه بین خدا و انسان‌ها را از بین می‌برد و برای انسان غفلت ایجاد می‌کند[2]؛ چون اقامه صلاه در ادبیات قرآنی، نماد اقامه همه اعمال عبادی است که جبهه شیطان می‌خواهد مقابل آن بایستد و آن را ضایع کند.

مصداق حقیقی این آیه در زمان رسول خدا (ص) دیده می‌شود که پس از رحلت ایشان، جبهه نفاقْ ضعف خود را در این

---

۱. بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۲۲: امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند :«كُلُّنا سُفُنُ النجاةِ ولِكنْ سفينةُ جَدّی الحسين أَوْسَعُ و فی لُجَجِ البحار أسْرَعُ» همه ما اهل‌بیت کشتی‌های نجاتیم، ولی کشتی جدم حسین علیه‌السلام وسیع‌تر و در عبور از امواج سهمگین دریاها سریعتر است.

۲. مریم/ ۵۹: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا»

ارتباط معنوی می‌دانستند و مطمئن بودند برای جانشینی پیامبر، مردم از آن‌ها توقع دارند که مانند نبی اکرم (ص) رفتار کنند، لذا ابتدا آن رابطه عبودیت را ضایع کردند، سپس با تحریف دین، جایگاه نبی اکرم (ص) را پایین آوردند و من واقعی را به من موهوم تبدیل کردند تا بتوانند خود را جانشین نبی معرفی کنند

از این رو خلفای اول و دوم، زندگی بسیار ساده‌ای داشتند، ولی نقل حدیث نبوی را منع کرده بودند تا نگذارند الگوی صحیح «من واقعی» به نسل‌های بعد منتقل شود و به تعبیر قرآن کریم «اضاعه الصلاة» انجام شود، اما با شروع خلافت خلیفه سوم و حکومت بنی‌امیه علاوه بر «اضاعه صلاة» اقدام به «اتباع شهوات» هم کردند و من موهوم را به صورت کامل جایگزین من واقعی کردند و این به حدی رسید که مرز بین اسلام و کفر در حال جابجایی بود و ملاک ارتباط با خدا در حال تغییر بود؛ لذا امام حسین (ع) قیام کردند تا این مرز را برای همگان روشن کنند و نگذارند که مؤلفه‌های من موهوم مانند حب جاه و رفاه‌طلبی، جایگزین روح تعبد و ارتباط با خدا شود

## عاشورا زبان فطرت

جریان عاشورا علاوه بر ساخت گفتمان درون‌شیعی و درون‌دینی، قابلیت این را دارد که پای خود را فراتر بگذارد و وجدان بشر را مخاطب قرار دهد و ندای بیداری بشریت باشد؛ چون دعوت امام حسین علیه‌السلام از سنخ دعوت به فطرت است و هر کسی که به این دعوت توجه کند، وجدانش

بیدار می‌شود، حتی اگر در نگاه ابتدایی اهل ایمان نباشد.

پس هم مؤمنین خاص مورد خطاب حضرت بودند و با ندای (هل من ناصر ینصرنی) به احیای منِ واقعی دعوت شده‌اند و هم بشریت، با ندای (إن لم یکن لکم دین فکونوا أحرارا) مورد خطاب حضرت قرار گرفته‌اند و به پذیرش من واقعی دعوت شدند. پس دعوت امام حسین علیه‌السلام مشروط به دین‌داری نیست و شامل تمام انسان‌های آزاد جهان می‌شود و همه را به سمت ظهور جذب می‌کند.[1]

## عاشورا تجلی دعا در متن حماسه

جریان عاشورا صدای بلند خداوند متعال برای بیداری انسان‌هاست تا حقیقت انسان کامل روشن شود و ارتباطش با خدا فهم شود؛ لذا جریان عاشورا در عین اینکه حماسه است، سرشار از دعاست و این دعا لحظه‌لحظه با کاروان سیدالشهدا همراه است؛ چون غایت این حرکت، نشان دادنِ من واقعی انسان در ارتباط با خداست. ظُهور این ارتباط از دعای ابی‌عبدالله در روز عرفه شروع می‌شود و تا آخرین لحظه که حضرت خطاب به خداوند متعال می‌فرمایند: «الهی رضیً بقضائک[2]» متبلور است و در سراسر جریان کربلا، می‌توان مصادیق فراوانی برای

۱. این نکته حائز اهمیت است که ما هنوز از همه‌ی لایه‌های فطری جریان امام حسین علیه‌السلام کاملا بهره نبردیم و فقط توانسته‌ایم لایه‌های اولیه‌اش را درک کنیم به عنوان مثال اگر کسی با نگاه فطری در جلسه امام حسین علیه‌السلام بنشیند، احساس می‌کند که این مجلس، فطرت او را بیدار می‌کند و شاید به همین خاطر است که وقتی کسی برای مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام اشک می‌ریزد مانند کسی است که تازه متولد شده است و گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده می‌شود؛ چون جریان امام حسین (علیه‌السلام) فطرت مطلق است و هر فطرتی که در اثر غفلت، معصیت و عادت دچار اعوجاج و انحراف شده است، وقتی متصل به امام حسین علیه‌السلام می‌شود، به فطرت حقیقی خود برمی‌گردد.

۲. مقتل‌الحسین، عبدالرزاق مقرم، ص ۳۶۷.

آن ذکر کرد

**خالص‌سازی حق و باطل در عاشورا**

هر لحظه حرکت حق و باطل در حال محض‌شدن و خالص‌شدن است؛ لذا هر چه زمان به سمت ظهور پیش می‌رود، حق و باطل بیشتر مشخص می‌شود، اما واقعه عاشورا در میان همه‌ی وقایعی که برای مشخص شدن حق و باطل اتفاق می‌افتد، جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چون تمام مظاهر حق با تمام مظاهر باطل به صورت مصداقی تقابل دارند و مصادیق عینی دیگر را می‌توان با این پرچم که تابلوی جریان حق است تطبیق داد؛ لذا جریان عاشورا بنایی را آغاز کرده است، که تمام بناهای حق و کمالات از این به بعد روی این بنا ساخته می‌شود که مهم‌ترین آن، جریان ظهور است.

**ظهور همه مراتبِ انسانی در عاشورا**

عاشورا قابلیت الگوگیری تمام مراتب انسانی را فراهم آورده است و از مرتبه بدن انسان تا مرتبه عاطفه و احساسات و حتی مرتبه عقل و روح انسان را نیز در بر می‌گیرد؛ به همین خاطر است که بنای عظیم ظهور بر روی عاشورا واقع شده است؛ چون هرقدر گفتمان عاشورا بازتر شود، آمادگی بیشتری برای ظهور ایجاد می‌شود.[1]

با این نگاه، هرکدام از افرادی که در جریان کربلا هستند، یک نقش در بیداری انسان‌ها دارند و می‌توانند برای تمامی

۱. می‌توان علت‌های دیگری در رابطه با زیربنا بودن عاشورا برای ظهور مطرح کرد؛ به عنوان مثال تأثیر اخلاص امام در تحقق عاشورا، باعث بقای اطلاقی عاشورا شده است. مرحوم علامه در المیزان می‌فرمایند: هرچقدر کاری به خدا بیشتر گره بخورد، بقای آن بیشتر می‌شود. چون در جریان عاشورا بالاترین مرتبه اخلاص محقق شده است، لذا بالاترین مقام بقا را پیدا می‌کند و قابلیت را به عاشورا می‌دهد که همیشه مثل یک قلب تپنده برای امت‌های اسلامی زنده باشد

شئونِ من عالی انسان الگوی مناسبی باشند، اما متأسفانه هنوز به همه این نقش‌ها پرداخته نشده و لازم است روی تک‌تک وقایع کربلا بیندیشیم و نقش ویژه اصحاب سیدالشهدا را در رفع نیازهای بشریت به دست آوریم و به جهانیان معرفی کنیم که امروز وجدان‌های جهانی برای بیدار شدن به عاشورا نیاز دارد و ما موظفیم که این حقایق را به جهانیان نشان دهیم.[1]

## عاشورا، راه رسیدن به باطن عالم

در روایات آمده است که هر شب همه ملائکه بر بیت‌الله نازل می‌شوند، بعد به زیارت حضرت رسول(ص) و سپس به زیارت امیر مؤمنان علی (ع) رفته و از آنجا به کربلا سفر می‌کنند و در نهایت به معراج بر می‌گردند. این روایات نشان می‌دهد که فطرت اولیه بشریت، فطرت توحیدی است که به ملاقات بیت‌الله‌الحرام می‌روند و بعد از آن فطرت انسان به سمت واسطه محض خلقت یعنی نبی اکرم (ص) می‌رود و سپس این حقیقت فطرت با رسیدن به محضر امیرالمؤمنین، نوعی می‌شود و در نهایت معراج آنها از کربلاست

پس معلوم است که نظام عود و بازگشت به سوی خدا از امام حسین (ع) محقق می‌شود و شاید به همین خاطر است که اهل معرفت میٍ‌گویند: راه رسیدن به باطن عالم، عمدتاً در زیارت امام حسین (علیه‌السلام) یا در مجالس امام حسین (علیه‌السلام) محقق می‌شود، چون ایٍن مسیری است که خداوند متعال فطرتاً در

۱. البته حرکت‌های خوبی برای الگوگیری از عاشورا شروع شده است که باید تقویت شود؛ به عنوان مثال شیرخوارگان حسینی یا حرکت «احلی من العسل» برای نوجوانان نمونه بارز الگوگیری برای اقشار مختلف جامعه است

درون ما قرار داده است و اگر می‌خواهیم در راه سلوک قرار بگیریم باید از این مسیر حرکت کنیم

## عاشورا، فصل اخیر حرکت همه انبیا و اوصیا

روایت شریفی از صفوان جمّال نقل شده است که روزی از امام صادق علیه‌السلام پرسید: آیا شما هم به زیارت قبر امام حسین (ع) می‌روید؟ حضرت فرمودند: چگونه به زیارت ابی‌عبدالله (ع) نروم درحالی‌که هر شب جمعه همه ملائکه، انبیا و اولیای الهی به زیارت ایشان مشرف می‌شوند؟[۱]

البته باید دانست که مقصود از زیارت، ملاقات صرف نیست؛ بلکه معنای دقیق زیارت، برداشته شدن موانع و ظاهرشدن ارتباط میان زائر و مزور است[۲]. با این بیان روشن می‌شود که زیارت همه انبیا و اوصیا فقط نشان‌دهنده فضیلت حضرت نیست بلکه بدین معناست که همه انبیا و اوصیا در ارتباط با حضرت سیدالشهدا هستند و در جریان امام حسین علیه‌السلام نقش داشتند که ایشان را زیارت می‌کنند

پس این روایت از یک حقیقت تکوینی پرده بر می‌دارد که تمام کارهای انبیا و اوصیای الهی، مقدمه‌ای برای تحقق عاشورا بوده و جریان عاشورا اهداف همه آنها را محقق

---

۱. کامل‌الزیارات، ابن قولویه، ص ۱۱۲: «عن صفوان الجمال قال قال لی أبو عبد الله علیه‌السلام لما أتی الحیرة هل لک فی قبر الحسین علیه‌السلام قلت و تزوره جعلت فداک قال و کیف لا أزوره و الله یزوره فی کل لیلة جمعة یهبط مع الملائکة إلیه و الأنبیا و الأوصیا و محمد أفضل الأنبیا و نحن أفضل الأوصیا فقال صفوان جعلت فداک فتزوره فی کل جمعة حتی تدرک زیارة الرب قال نعم یا صفوان ألزم ذلک یکتب لک زیارة قبر الحسین ع و ذلک تفضیل و ذلک تفضیل».

۲. وهابیت مفهوم زیارت را به ملاقات جسم تقلیل می‌دهد و دیدگاه مجسمه بودن زیارت حضرات را مطرح می‌کند، اما حقیقت آن است که زیارت کردن به معنای برداشته شدن موانع و توجه ویژه زائر به مزور است.

کرده است. با این بیان می‌توان گفت که عاشورا، فصل اخیر حرکت همه انبیا است و همه حرکت‌ها را به کمال خود می‌رساند.[1]

این روایت به ما اعلام می‌کند که توجه داشته باش! تمام جریان انبیا در راستای تحقق عاشوراست و همه ایشان از شئون سیدالشهدا هستند. پس اگر می‌خواهی یک زیارت واقعی داشته باشی، باید حرکتت را با حضرت سیدالشهدا مرتبط کنی و این اتصال است که زیارت واقعی را محقق می‌کند.[2]

### نتیجه‌گیری

حقیقت عاشورا شناساندن من حقیقی انسان است. و همه تلاش انبیای الهی در این راستا خلاصه می‌شود و در جریان عاشورا به کامل‌ترین وجه محقق شده است؛ لذا بالاترین درس‌های انسان‌شناسی، امام‌شناسی و حرکت توحیدی به سمت ظهور در این جریان محقق شده است و کادرسازی و لشکرسازی برای امام زمان (عج) از طریق عاشورا محقق می‌شود

هرچقدر ظهور نزدیک شود، توجه به جریان عاشورا در بین مردم بیشتر می‌شود و ما برای نزدیک شدن به ظهور، باید حرکت کاروانی سیدالشهدا را تقویت کنیم و از آن الگو بگیریم که حرکت عاشورا یک حرکت فطری عجیب است و از کودک شش‌ماهه تا پیرمرد نودساله را در بر می‌گیرد و از زن تا مرد را شامل می‌شود و هر کدام جنبه هدایت‌گری دارند

۱. ر.ک: قدم عاشقی، فصل اول.

۲. در نظام خدای سبحان، اعتبار معنا ندارد و باید زیارت تو، زیارتِ شأنی باشد که این زیارت واقعی است و اگر می‌خواهی زائر حضرت شوی باید مثل انبیا و اوصیا، حرکتت را در راستای عاشورا محقق کنی و خودت را شأنی از حضرت قرار دهی که این زیارت، زیارت واقعی است

از طرف دیگر، راه ورود به آخرت از جریان عاشوراست؛ یعنی اگر کسی می‌خواهد به باطن عالم راه پیدا کند، باطنی‌ترین و نزدیک‌ترین راه به باطن عالم در جریان عاشورا محقق شده است؛ لذا مرحوم سیدعلی‌آقای قاضی فرمودند: در دو موقع راه به باطن عالم و مکاشفات باز می‌شود، یکی در موقع قرائت قرآن و دیگری در مجالس ذکر امام حسین (علیه‌السلام) که حبل ممدود متصل کتاب خداست.[1]

---

۱. وقتی این ظرفیت عظیم را در واقعه عاشورا برای رشد انسان می‌بینیم که چقدر ما را به ظهور نزدیک می‌کند، در می‌یابیم که چقدر فرصت در عاشورا نهفته است که سید بن طاووس می‌فرماید: اگر جریان مصیبت وارد شده به ابی‌عبدالله نبود و ما با نگاه الاهیاتی به روز عاشورا نگاه می‌کردیم؛ واقعاً این ظهور توحید در عالم بواسطه جریان عاشورا و امام حسین و یارانش جای جشن داشت. البته ما حق نداریم جشن بگیریم، چون دشمن به عنوان پیروزی و غلبه جشن می‌گرفت و روز عاشورا را روز برکت می‌دانست

فهرست

فصل دوم:

# اربعین تمدن‌ساز[1]



۱. ر.ک: قدم عاشقی، محمدرضا عابدینی، ص۱۳۷.

## مقدمه

در رابطه با حقیقت عاشورا و جایگاهش در نظام اندیشه اسلامی مطالبی را بیان کردیم و جریان عاشورا را به عنوان مظهر توسعه من حقیقی انسان معرفی کردیم؛ همچنین ارتباط جریان عاشورا را با حرکت انبیا و ظهور نشان دادیم

در اینجا نقش جریان اربعین را در قیام سیدالشهدا مشخص می‌کنیم و نقش اساسی اربعین را در بیدارگری مردم آخرالزمان تبیین کنیم که هیچ واقعه دیگر نمی‌تواند این نقش را پر کند؛ لذا ظرفیت‌های این واقعه عظیم را بیان می‌کنیم تا بهتر بتوانیم آنها را حفظ کنیم و ارتقا دهیم

## اربعین، امتداد عاشورا

همانطور که گفتیم جریان کربلا از قبل شهادت امام حسین علیه‌السلام تا بعد از اسارت اهل‌بیت نقش مهمی در بیداری فطری بشر دارد، اما نقش جریان اربعین و حرکت کاروان اسرا، در جهت تبیین معارف است

جریان اربعین، نقطه اوج جریان عاشوراست و حرکتی که از عاشورا بنیان گذاشته شد، در اربعین آثار خودش را متبلور می‌کند و دسیسه‌های دشمن را از بین می‌برد و نقش بر آب می‌کند.

مقام معظم رهبری، در تحلیل حرکت عاشورا می‌فرمایند: عاشورا سه اثر را هدف قرار داده بود که هر سه هدف با جریان اربعین محقق می‌شود

- یکی اینکه رابطه مؤمنین محکم شود.

فهرست

- دوم اینکه مقابله مؤمنین با دشمن واضح‌تر شود و مرزهای بین مؤمنین و دشمنان روشن‌تر شود
- سوم اینکه این دو کار، در تبعیت از امام دیده شود؛ یعنی صرف محبت بین مؤمنین و معاندت با دشمنان مطرح نیست. بلکه معاندت و محبتی مطرح است که در ارتباط با امام باشد

با این بیان، روشن می‌شود که حرکت اربعین یک حرکت حساب شده تاریخی است. این حرکت ابتدا با اسارت حضرت زینب (سلام الله علیها) و کاروان اسرا آغاز می‌شود و سپس بلافاصله هاشمیون و بعضی از مؤمنین مانند جابر و عطیه خودشان را به این حرکت می‌رسانند و تا به امروز میلیون‌ها زائر برای تحقق آرمان‌های ابی‌عبدالله پا در این مسیر نهادند و همه فشارها و سختی‌ها را به جان خریدند تا خودشان را در این حرکت کاروانی به امام برسانند

### اربعین، جوانه تمدن توحیدی

نکته دیگر اینکه، جریان اربعین این ظرفیت را دارد که تمدنی‌ترین زیرساخت برای تمدن توحیدی باشد؛ چون در اربعین، همه محبت‌ها در کنار هم قرار می‌گیرد و با جذبه «حب الحسین یجمعنا» به هم متصل می‌شود که این حرکت حبی فطری قابلیت تمدنی شدن دارد؛ همچنین این قابلیت را دارد که تمام مرزهای اعتباری مانند مرز جغرافیایی، نژاد و رنگ و... را درنوردیده و مرزهای حقیقی من کامل را محور قرار دهد تا در این حرکت، تمدن توحیدی برای ایصال به انسان کامل یعنی

امام جوانه بزند و دور ولایت رشد کند

شما می‌بینید علیرغم اینکه در بین ادیان معروف دنیا، شیعه کمترین جمعیت را داراست، اما در عین حال تجمعی که در اربعین ایجاد می‌شود، بزرگ‌ترین تجمع جهان است. این نشان می‌دهد که شیعه تنها جمعیت زنده در جهان است و قابلیت تمدنی شدن دارد.[۱]

## انقلاب اسلامی احیاگر اربعین حسینی

اینکه امروزه اربعین به یک تمدن جهانی تبدیل شده است، عوامل بسیاری دارد، اما آنچه اربعین را به صورت جدی در جهان احیا کرد، انقلاب اسلامی بود.[۲] همان انقلابی که ظرفیت عظیمی در رابطه بین عاشورا و ظهور ایجاد کرد و عاشورا را به ظهور متصل کرد؛ لذا اربعین در سیر انقلاب اسلامی هم تعریف می‌شود و می‌توان اربعین را نمونه تمدنی انقلاب اسلامی دانست که حرکت انقلاب اسلامی را از مرزهای جغرافیایی فراتر می‌برد و منطقه‌ای و بلکه جهانی می‌کند

البته رابطه بین جریان عاشورا و اربعین با انقلاب اسلامی، دو طرفه است؛ چون رمز موفقیت انقلاب اسلامی اتصال آن با عاشوراست و تا این انقلاب با عاشورا نسبت دارد، بقا پیدا می‌کند و سنت الهی این است که هر جریانی با عاشورا گره بخورد، پیروزی‌اش حتمی می‌شود؛ چنانکه جریان مقاومت عراق با دفاع از اهل‌بیت (علیهم

۱. فرهنگ اربعین در مقابل تهاجم‌ها بسیار مقاوم است؛ چون در طول تاریخ از زمان امویان و عباسیان تا به امروز، جبهه کفر تمام توان خود را برای از بین بردن اربعین صرف کرده، اما این حرکت پررنگ‌تر شده و امروز به یک کنگره عظیم تبدیل شده است که شیعیان جهان را هر ساله در یک‌جا جمع می‌کند و بزرگ‌ترین اجتماع جهان را می‌سازد

۲. غربی‌ها می‌گفتند: گفتگوی لیبرالیسم و تمدن غرب، آخرین تمدن و گفتمان است و پایان تاریخ است، اما علَم شدن انقلاب اسلامی آن هم با نگاه به ظهور که تاریخ‌ساز است، باعث شد خودشان بگویند که اشتباه کردیم

السلام) نسبت پیدا کرد، پیروزی‌اش محقق شد و جریان سوریه نیز به دفاع از حرم حضرت زینب (س) منتسب شد، پیروزی‌اش قطعی شد؛ حتی جریان فتنه وقتی در مقابل عاشورا قرار گرفت، از بین رفت؛ لذا جریان عاشورا یک جریان ساده نیست، بلکه اکسیری است که جریان‌های دیگر نسبت به این جریان ساخته می‌شود.[۱]

## ظرفیت‌های اربعین[۲]

گفتمان دینی، یک گفتمان زنده است؛ چون افق پیش رو دارد و این افق خیلی امیدآفرین است. قرآن کریم افق پیش روی ما را جریان ظهور معرفی می‌کند و در این‌باره می‌فرماید: آینده، از آنِ مستضعفین جهان است که وارثان زمین‌اَند و بر آن حکومت می‌کنند.[۳] از طرف دیگر، جریان عاشورا یک جریان حماسه‌ساز است و وقتی این حماسه‌سازی در قالب آن امیدآفرینی ریخته می‌شود، قدرت حرکت فوق‌العاده‌ای را نسبت به هدف ایجاد می‌کند

جریان اربعین، حرکت پویایی است که به عنوان قلب تپنده گفتمان دینی، حماسه و امیدآفرینی را در کنار هم دارد؛ به همین خاطر این جریان فقط مختص کسانی که در این کنگره شرکت می‌کنند نیست،

---

۱. اگر می‌خواهیم گفتمانی را در جهان محقق کنیم، باید آن را به جریان عاشورا و اربعین حسینی متصل کنیم که اگر ما می‌توانستیم در صحنه‌سازی یمن و بحرین و حتی افغانستان و پاکستان رابطه‌ای با عاشورا پیدا کنیم، پیروزی آنها حتمی بود. جریان مقاومت در سوریه از جهت عقبه و بلوغ، بسیار ضعیف‌تر از جریان یمن بود، اما پیروزی در جریان سوریه زودتر از یمن محقق می‌شود؛ چون علیرغم اینکه مردم سوریه آمادگی برای چنین قیام و حماسه‌ای نداشتند، اما وقتی جریان دفاع از حرم مطرح می‌شود، نیروی مقاومت از ایران، افغانستان، پاکستان، لبنان و عراق می‌روند و این رابطه را ایجاد می‌کند. این همراهی حیات جدیدی را ایجاد می‌کند و مردم را به یک بلوغی می‌رساند

۲. ر.ک: قدم عاشقی، محمدرضا عابدینی، فصل دوم.

۳. قصص/ ۵: «وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ»

بلکه مثل یک قلبی است که خون جامعه ایمانی را تصفیه می‌کند و به همه اعضای بدن حیات می‌بخشد

کسانی که در این راهپیمایی شرکت می‌کنند، همان نمایندگانی هستند که بعد از برگشت حال امید، وحدت و رابطه با امام را در جامعه ترویج می‌کنند و تشکیلاتی ولایی می‌سازند تا همه اعضای جامعه اسلامی به ظهور نزدیک شوند؛ همانند جریان حضرت عیسی علیه‌السلام و حواریون که تشکیلاتی را ذیل رابطه ولایی شکل دادند

با این نگاه، جریان اربعین یک ذخیره عظیم است که خدای سبحان برای ما قرار داده تا به وسیله آن توحید را در جامعه محقق کنیم و به سمت جامعه مهدوی حرکت کنیم.

با همه این تفاصیل، متأسفانه بر روی ظرفیت‌های اربعین کمتر تحقیق صورت گرفته و همه لایه‌های این جریان عظیم برای ما آشکار نشده است؛ لذا در این سرفصل سعی داریم بخشی از ظرفیت‌های عظیمی را که در این جریان وجود دارد، بیان کنیم

۱- **اعتکاف در حرکت**؛ اعتکافی بر مقام ولایت که در بستر حرکت رخ می‌دهد و می‌توان آن را آیین در حرکت یا دین در حرکت، یا عبادت در حرکت نام‌گذاری کرد؛ چون حقیقت دینْ نشستن نیست، بلکه رفتن و رسیدن است. و این حقیقت در اربعین به خوبی مشهود است؛ لذا تمدنی که حول اربعین شکل می‌گیرد، تمدن پیشرو و در حال حرکت است که اساس این تمدن، روابط بین مؤمنین حول امام

است. روابطی که در آن یک حاکمیت و نگاه تشکیلاتی دیده می‌شود

۲- **ساختارسازی؛** در این جریان، روابط اعتباری بین افراد تبدیل به روابط حقیقی ذیل انسان کامل می‌شود. ساختاری که در عین ربط به امام شکل می‌گیرد و نسبت‌های استقلالی به نسبت‌های ربطی تبدیل می‌شود؛ لذا هر کس در پیاده‌روی اربعین یا زائر امام حسین (ع) است یا خادم امام حسین (ع)

۳- **رسانه تمام‌عیار شیعه؛** چون در این جریان، دین به صورت عینی محقق می‌شود و بهترین برهان، برای اقامه‌ی دین، برهان عینی است که در اربعین اقامه می‌شود

در خاطر دارم با عده‌ای از مسیحیان در پیاده‌روی اربعین همراه شدم که از کشورهای مختلف آمده بودند و هرکدام در رشته‌ای مهارت داشتند. یکی از این مسیحیان که از اهالی سینما بود، می‌گفت: هر صحنه از اربعین قابلیت دارد به یک فیلم سینمایی تبدیل شود و این ظرفیت در هر زاویه‌اش وجود دارد که صدها سریال از آن ساخته شود؛ چون لحظه‌لحظه پیاده‌روی، شامل معنایی است که در قالب هنری قرار گرفته است و در بهترین صورت خود تجلی پیدا کرده بود

خیلی اوقات چون ما داخل یک جریان هستیم، متوجه نمی‌شویم که چه ظرفیتی در آن وجود دارد و اگر از بیرون نگاه کنیم می‌فهمیم. اگر کسی بخواهد دین را به نحو تمام و کمال معرفی کند، حقیقت دین در این راهپیمایی، مجسم و زنده است

**۴- فرهنگ «مهاجم»**[۱]**؛** در عصری که همه فرهنگ‌ها مرده‌اند و رو به خاموشی رفته‌اند، فرهنگ اربعین یک فرهنگ مهاجم نسبت به فرهنگ‌های دیگر است و به سرعت فرهنگ‌های مرده اطراف خودش را هم‌سنخ خود می‌کند و آن‌ها را از بین می‌برد. منظور از فرهنگ مرده، می‌تواند فرهنگ مادی‌گرای غرب باشد که زوال آن آشکار است یا اینکه فرهنگ ساکنی باشد که در اذهان ما نسبت به دین وجود دارد. در هر صورت اربعین از لحاظ فرهنگی یک ظرفیت مهاجم است که به آن خاموشی، بی‌حالی و مفهومی بودن تهاجم می‌کند و آن را تصحیح می‌کند و از سنخ خودش می‌کند؛ لذا جریان اربعین، در مقابل گسترش فرهنگ‌های جامد، یک فرهنگ متحرک است و گویاترین بیان دین در حال حرکت است

**۵- زنده کننده روابط ایمانی؛** بعد از هجرت رسول اکرم (ص) به مدینه، مؤمنین به دو دسته مهاجرین و انصار تبدیل شدند و عده‌ای به عنوان انصار پذیرایی می‌کردند و مهاجرین هم به مدینه هجرت می‌کردند، در این راهپیمایی هم مردم عراق مقام انصار را دارند و هر سرمایه‌ای دارند، کف دست می‌گذارند و پذیرایی می‌کنند و عده‌ای هم به عنوان مهاجرین از اقصی‌نقاط عالم مانند ایران، پاکستان، یمن، کشورهای آفریقایی و حتی انگلستان و آمریکا، می‌آیند در این کنگره عظیم شرکت کنند تا تشکیل یک جامعه ایمانی دهند

۱. تعبیر «مهاجم» با توجه انتخاب شده است؛ چون اربعین فرهنگ زنده‌ای است که به فرهنگ‌های مرده کنار خود حیات عالی می‌بخشد و روزبه‌روز در القای مفهوم در قالب مصداق از سایر فرهنگ‌ها پیشی می‌گیرد؛ لذا علیرغم منع انتشار اخبار آن در جهان، روزبه‌روز رشد می‌کند

**۶- تغییر دهنده ملکات راسخ نفسانی؛** به قول یکی از دوستان عرب: ما خودمان را خوب می‌شناسیم. در وجود عرب یک تکبری است که نمی‌گذارد مقابل هیچ‌کسی خضوع کنیم. حال اگر می‌بینید در جریان اربعین، عرب‌ها با التماس و خواهش و تمنا دست یکی را می‌گیرند و به خانه‌شان می‌برند، این فقط مربوط به معجزه امام حسین علیه‌السلام است که خلق و خوی ما را عوض کرده است

حقیقتاً تغییر ملکات نفسانی خیلی سخت است، چون ملکات ریشه در شخصیت دارند و به این راحتی از انسان جدا نمی‌شوند، مخصوصا اگر این ملکات در چندین نسل شدت پیدا کرده باشد، اما محبت امام حسین علیه‌السلام با قلوب انسان‌ها چه می‌کند که این تغییر به سریع‌ترین شکل ممکن رخ می‌دهد!

**۷- شکستن عادت‌ها؛** در اربعین، انسان به میل خودش به‌خاطر رسیدن به لذت بالاتر از لذت‌های پایین می‌گذرد و سختی‌های حرکت را به جان می‌خرد و عادت آسایش و راحتی خود را می‌شکند، به همین خاطر از چشیدن سختی مسیر خوشحال می‌شود. پیاده‌روی اربعین از این حیث مانند ماه مبارک رمضان است که فرهنگ عادت‌های مذمومِ ما را می‌شکند و از بند عادات سخیف می‌رهاند

**۸- بی‌رنگ شدن همه رنگ‌ها؛** در دنیای امروز که همه‌چیز رنگ پول گرفته و پول نماد فرهنگ امروزی شده و همه مردم حتی دین‌داران را با خود همراه کرده، فرهنگ اربعین با کنار زدن این فرهنگ،

ثروتمند و فقیر را با هم در یک مسیر قرار می‌دهد. همه یک‌جور غذا می‌خورند و اعتبار پول شکسته می‌شود و هیچ برتری ایجاد نمی‌کند

این یک تجربه بی‌نظیر است که اساس فرهنگ مدرنیته غرب را نشانه گرفته و ارزش‌ها را تغییر می‌دهد و به جای اعتباریات، حقایقی مثل ایثار، گذشت، فداکاری، بی‌نامی، بی‌تشخصی، پذیرایی، خدمت، محبت، شوق به امام را به عنوان ارزش معرفی می‌کند

**۹- بهترین ظرفیت برای اتحاد مؤمنین؛** اتحادی که حول امام حسین (علیه‌السلام) شکل می‌گیرد و توحید ولایی را محقق می‌کند. در این جریان همه‌چیز با مغناطیس محبت امام محک می‌خورد و همه جاذبه‌ها به یک سمت ایشان حرکت می‌کند؛ لذا تمام اصطکاکات برداشته می‌شود و همه در یک راستا قرار می‌گیرند

در علم جامعه‌شناسی می‌گویند: وقتی دو کشور با هم می‌جنگند، سالیان طولانی باید بگذرد تا با هم متحد شوند، اما دو کشور ایران و عراق سالیانی با هم جنگیدند، اما ناگهان محبتی در بین آنها ایجاد شد که جزء متحدترین ملت‌ها با هم می‌شوند. این خیلی عجیب است و حتما یک نقشه الهی است تا تهدیدها تبدیل به فرصت شود.[1]



۱. البته تحلیل دیگر در رابطه با جنگ ایران و عراق این است که در جنگ تحمیلی مردم عراق به زور پای مقابله با ایران آمدند و قبلاً شیعیان عراق مخالف جنگ با ایران بودند

فصل سوم:

# حقیقت اربعین

فهرست

**مقدمه**

در فصل‌های قبل بیان کردیم که بالاترین نبرد منِ عالی و منِ موهوم در زمان عاشورا محقق شد و همچنین خاطرنشان کردیم که در این واقعه منِ عالی و منِ موهوم با تمام شئونش ظهور پیدا کرده است

پس از جایگاه عاشورا، جایگاه جریان اربعین را مطرح کردیم به عنوان رسالتی که جریان عاشورا را به ثمر رسانده، و سنت استقامت در مقابل ظالم را پایه‌گذاری کرده است. شاید به همین خاطر است که از یکی از علائم مؤمن را زیارت اربعین شمرده‌اند؛ چون جریان اربعین، از همان ابتدا به عنوان ظرفیت عظیمی برای تحقق مصداقی دین معرفی شده است

در این فصل، درباره حقیقت اربعین و نقش مهم آن در دین نکاتی را بیان می‌کنیم

**نقش اربعین در منظومه دین[1]**

به طور کلی، وقتی احکام الهی را در منظومه دین می‌بینیم، برای این احکام می‌توان مراتبی را در نظر گرفت که هر کدام آثار مختلفی دارد

۱- حکم به صورت فردی در نظر گرفته می‌شود

۲- حکم به صورت مرتبط با حکم دیگر لحاظ می‌شود. در این ارتباط، اثر احکام مضاعف می‌شود

۳- حکم به صورت مرتبط با امام دیده می‌شود که نسبت آن با آثار قبل بسیار متفاوت می‌شود

به عنوان مثال، وقتی که چشم را به تنهایی تشریح می‌کنند، این چشم از

۱. ر.ک: قدم عاشقی، محمدرضا عابدینی، ص ۱۰۷.

بافت‌های عصبی دقیقی تشکیل شده است که دکتر متخصص باید آن را بررسی کند، اما وقتی همین چشم در منظومه بدن و در ارتباط با دیگر اعضا دیده می‌شود، آثار دیگری دارد که باید به صورت مجزا بررسی شود و در مرتبه بالاتر، وقتی این آثار نسبت به قلب که به منزله امام بدن است لحاظ می‌شود، علاوه بر اینکه همه آثار سابق را دارد، آثار مجزایی پیدا می‌کند که باید مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد

ما در جریان اربعین، همه مراتب دین را داریم و می‌توانیم این جریان را با هر سه مرتبه تطبیق دهیم. این نگاه، از آثار فردی جریان اربعین شروع می‌شود و تا نگاه منظومه‌ای به دین کشیده می‌شود و در نهایت به جایی می‌رسد که تمام احکام، اخلاق و عقائد را مرتبط با امام می‌بینیم. با این نگاه منظومه‌ای به دین، فقط ارتباط احکام نسبت به هم نیست، بلکه منظومه‌ای از توحید ولایی است که در ارتباط با ولایت ثابت می‌شود

طبق این نگاه منظومه‌ای به دین، وقتی در پیاده‌روی اربعین شرکت می‌کنیم در سراسر مسیر همه اجزای حرکت را مرتبط با امام حسین (علیه‌السلام) می‌بینیم. در خاطر دارم یک‌دفعه جریان اربعین را با خودم تحلیل می‌کردم، بیش از دویست سنت الهی، اعم از سنن معارفی، اخلاقی و احکامی یافتم

## حرکت، حقیقت دین

حقیقت دین، نشستن و گوش کردن نیست، بلکه رفتن و رسیدن است و دین یک حرکت است؛ لذا انسان در ارتباطات دینی باید حال حرکت داشته باشد، نه حال نشستن! البته

حال حرکت هم برای خود، قواعدی دارد که باید آن را به درستی یاد گرفت.[1]

حرکت اربعین، حرکتی است به رهبری امام که «ایصال الی المطلوب» می‌کند و دست ما را می‌گیرد و به مقصد می‌رساند؛ همانطور که امام حسین (علیه‌السلام) در واقعه عاشورا دست عده‌ای را گرفت و تا مرز قرب‌الی‌الله برد، با جریان اربعین ما را به مقصود می‌رساند و به لقای الهی نزدیک می‌کند

## اربعین، حرکتی از کثرت‌ها به سوی وحدت امام

طبق دو نکته‌ای که ذکر شد، وقتی ما در جریان اربعین قرار می‌گیریم و با پای پیاده به سوی امام حرکت می‌کنیم، حقیقت مصداقی دین را درک می‌کنیم و می‌فهمیم که دین، حرکتِ همه کثرت‌ها به سمت وحدت امام است؛ لذا اساس این پیاده‌روی حرکت جسمانی همراه حرکت روحانی است، چون این سفر از کثرت‌های ما شروع شده و به وحدت امام می‌رسد و این مسیر، همان صراط مستقیمی است که از اولین قدم تا آخرین حرکت، دائماً انسان را به سمت معیت امام سوق می‌دهد و ما را از معیت غیر امام دور می‌کند.[2]

در نتیجه اربعین، تجلی حرکت انسان به سمت خدا است و مثل رگ‌های مختلفی که از تمام بدن انسان کشیده می‌شود و منتهی به قلب می‌شود، همه کثرات

---

۱. ر.ک: شرح جنود عقل و جهل، امام خمینی، مقدمه / پروانگان شمع جمع (جهاد اکبر و سلوک جمعی)، محمدرضا عابدینی

۲. در نگاه فطری، همیشه شوق به کمال با گریز از نقص است لذا در حرکت اربعین، محبت به امام با بغض دشمنان او همراه است و ممکن نیست که امام حسین را دوست داشته باشی و در عین حال، رفتارت نشان از محبت دشمنان اربعین داشته باشد. (معاذ الله من شرور انفسنا)

را به سمت قلب عالم امکان یعنی امام می‌کشاند و حیات وحدانی را برای همه آنها به ارمغان می‌آورد و به همین خاطر است که با جریان اربعین، جامعه ایمانی دوباره حیات پیدا می‌کند، چون همه افراد با تمام تکثرهایی که دارند حول یک محور جمع می‌شوند و در این مسیر، تمرین وحدت می‌کنند

## آسیب احتمالی حرکت اربعین[1]

یکی از آسیب‌هایی که باید دقت کرد تا در این جریان ایجاد نشود، این است که تکثرها در مرحله کثرت باقی بماند و به وحدت کشیده نشود؛ چون زمانی کثرت، ممدوح است که ما را به وحدت بکشاند؛ وگرنه اگر تکثرها منجر به مطرح کردن منیت‌ها شود، مانع حرکت جامعه ایمانی می‌شود

پیغمبر اکرم (ص) پرچم اهل مدینه و اهل مکه را تبدیل به پرچم انصار و مهاجرین کرد؛ یعنی به مؤمنین یاد داد که از مرزهای جغرافیایی عبور کنند و هویت و نماد معنوی را برای خودشان قرار دهند. ما نیز باید در این مسیر از این مدل الگو بگیریم و پرچم‌های طایفه‌ای و عشیره‌ای را تبدیل به پرچم‌های معنوی و حقیقی کنیم

باید نمادهایی داشته باشیم که وحدت و حرکت کاروانی واحد را با نمادهای الهی و معنوی نشان دهیم و بهترین نماد برای پیاده‌روی اربعین، دوگانه «زائر و خادم» است که در ذیل محبت امام حسین (ع) جمع می‌شود و نماد انسان حقیقی را در ارتباط او با امام خلاصه می‌کند

---

۱. ر.ک: قدم عاشقی، محمدرضا عابدینی، ص ۱۵۱.

## تحقق شدیدترین روح جمعی در اربعین

اربعین، جریانی است که روح جمعی و حرکت کاروانی در آن تشدید می‌شود. آن هم روح جمعی که دائرمدار حقیقت من عالی است و می‌توان گفت این حرکت از عظیم‌ترین حرکت‌های من عالی در تاریخ است. شیعه در طول تاریخٍ به جهت اینکه حاکمیت نداشته، معمولاً در تقیه زندگی می‌کرده و غالباً مجبور بوده با روح فردی زیست کند؛ هرچند این روح فردی هم متعلق به امام است، اما جریان اربعینْ شدت روح جمعی است نه یک روح جمعی ساده!

روح جمعی ساده این است که انسان‌هایی در کنار هم با یک هدف زندگی کنند، اما شدت روح جمعی یعنی در کنار ایثار، گذشت، فداکاری، مهربانی، محبت، شوق، ارتباط عمیقی با یک واحد به عنوان امام برقرار می‌شود

این روح جمعی و حرکت کاروانی، عظیم‌ترین کاتالیزور وکنشیاری است که ارتباط و ارتقای ظهور را سرعت می‌بخشد. این حرکت، فانی شدن قطرات در دریاست آن هم در دریای اطلاقی امام؛ لذا هر کسی می‌آید دیگر نمی‌خواهد من باشد. می‌خواهد به امام متصل شود و او را نشان دهد

اگر در جامعه اسلامی این نگاه سرایت کند، حقیقت امام به نحو تام در جامعه ظهور پیدا می‌کند و جامعه اسلامی، حول محور امام وحدت ایمانی پیدا می‌کند و دیگر فرهنگ منفعت‌طلبی و فردیت شکسته می‌شود و فرهنگ از خود گذشتگی و ایثار

جای آن را می‌گیرد؛ چون جریان اربعین، تمرینی برای ظهور است و حقیقت نازله آن را شکل می‌دهد که ما با تمرین محبت ایمانی در جریان امام حسین (ع)، نزدیک به ظهور می‌شویم و وقتی ظهور محقق شد، آشنایی کامل داریم و راه را بلدیم

### اربعین، بلوغ بشریت

اربعین از ظرفیت‌های بلوغ بشریت برای دوران آخرالزمان است؛ چون این حرکت از سنخ حضور امام است و در نوع خود یک حرکت بی‌سابقه و منحصر به فرد است و ما حتی در سینه‌زنی‌های عاشورا هم حرکتی به این شدت نمی‌بینیم؛ چون اربعین زیست چند روزه در فضای امام است که انسان را لحظه‌لحظه به سمت او می‌کشاند و نشانگر بلوغ بشریت است که تحت تصرف امام زمان (عج) به چنان رشد فکری و فرهنگی رسیده است تا یک جریان عظیم را برای نشان دادن محبت امام حسین (ع) راه بیندازند که ادامه حرکت عاشوراست

رشد این جریان آن‌قدر مشهود است که امروزه جامعه‌شناسان بیان می‌کنند که یک جریان عمیق ریشه‌دار فزاینده است و دیگر از کنترل ما خارج است و ما باید به دنبالش حرکت کنیم؛ چون سرعت رشدش آن‌قدر زیاد است که همه از تحلیل آن، جا مانده‌اند و تازه فهمیدند چه شده است

### نسبت دشمن با اربعین

دشمن بیکار ننشسته و با جریان اربعین در حال مقابله کردن است، لذا با حیله‌های گوناگون سعی در توقف آن دارد؛ ولی تاکنون هر چقدر شیعیان را تحت فشار گذاشتند،

انفجار ایجاد کردند، داعش درست کردند[۱]، نتوانستند جلوی این جریان را بگیرند و الحمدلله جریان اربعین روزبه‌روز پررنگ‌تر شد و نقشه‌های دشمن نقش برآب شد تا جایی که امروز اذعان کردند که نمی‌توان با جریان اربعین مقابله کرد

اگر کسی این جریان را تحت اراده الهی ببیند، به راحتی می‌فهمد که تدابیر و مکر دشمنان به خودشان برگشته است؛ به عنوان مثال دخالت آمریکا در عراق منجر به نابودی صدام و تحقق جامعه ایمانی و پررنگ شدن جریان اربعین شد؛ چون اگر عراق تحت حاکمیت صدام باقی می‌ماند، به هیچ وجه نمی‌گذاشت جریان اربعین این‌قدر رشد کند.

دشمن در ابتدای امر، پیاده‌روی اربعین را بایکوت و تحریم رسانه‌ای کرد، اما اربعینْ یک رسانه زنده است و خود حضور افراد، رسانه است؛ چون مؤمنین وقتی از همه کشورها به پیاده‌روی می‌آیند و برمی‌گردند، بالاترین رسانه حضوری را شکل می‌دهند که قابل فیلتر کردن نیست. پس از تحریم خبری، دشمن تصمیم به تخریب این جریان گرفت؛ چون به خوبی فهمیده‌اند که اگر جریان اربعین به همین نسبت رو به تصاعد برود، قلب مدرنیته را نشانه

---

۱. دشمن برای حذف دین اسلام نقشه‌هایی کشید، اما همان نقشه‌ها باعث مطرح شدن حقیقت دین شد. او اطلاع دارد که جنگ‌های آخرالزمانی در منطقه خاورمیانه واقع می‌شود؛ لذا یهود و برنامه‌ریزان اصلی، نقشه‌های بسیاری برای پیروزی جبهه شیطان کشیدند. یکی از مهم‌ترین نقشه‌ها برگرداندن حکومتی شبیه حکومت اموی در این منطقه بود. آنها قصد داشتند در عراق و سوریه دولت داعش را به وجود بیاورند، اما ملت عراق با فتوایی از آیت‌الله سیستانی به عنوان جهاد در مقابل داعش بیدار شدند و اگر تا قبل از این، دولت عراق حاکمیت سنی بود، بعد از آن به کابینه شیعی تبدیل شد، در کشور سوریه هم آن‌ها می خواستند این کشور را تجزیه کنند و جریان امویان را دوباره زنده کنند، اما قرار گرفتن قبر حضرت زینب سلام‌الله علیها در سوریه تهدید را تبدیل به فرصت کرد

می‌گیرد؛ لذا غرب برای حیات خودش مجبور است، مقابله کند. منتها مقابله دشمن عمدتاً مقابله خونی نیست، بلکه دشمن دو کار می‌خواهد بکند

● **کمرنگ کردن مرز دشمنی:** در این صورت ما قدرت تشخیص را از دست می‌دهیم و درست نمی‌توانیم خوب و بد را تشخیص دهیم. این یک قاعده است که هرگاه مرز دشمنی کمرنگ شد، مرز خوبی‌ها و بقای خوبی‌ها هم کمرنگ می‌شود، چه در نظام فردی و چه در نظام اجتماعی!

● **از بین بردن اخوت اسلامی** و پایه‌های همبستگی اجتماعی بین مؤمنین و اختلاف‌پراکنی

دقت کنید شیطان در نظام فردی، ابتدا با خوبی‌ها کاری ندارد، بلکه در بدو امر کاری می‌کند که بدی‌ها و دشمنی‌ها در نظر ما کمرنگ شود؛ وقتی مرز بدی‌ها کمرنگ شد، خود به خود خوبی‌ها کمرنگ می‌شود. به همین نسبت در نظام اجتماعی شیطان ابتدا از به هم زدن مرز دشمنی‌ها شروع می‌کند و پس از آن بین مؤمنین اختلاف می‌اندازد

در جریان انقلاب اسلامی هم نقشه دشمن این است که مرز دشمنی ما با آمریکا به عنوان مظهر شیطنت و استکبار کمرنگ شود، هرچقدر مرز دشمنی با آمریکا کمرنگ‌تر شود، خودبه‌خود مرز خوبی‌ها هم کمرنگ‌تر می‌شود. دلیل این مطلب آن است که وقتی آمریکا به عنوان شیطان بزرگ و دشمن اصلی تلقی شد، با خلق و خوی او هم مانند خوی استکباری،

اشرافی‌گری، رفاه‌زدگی و دشمنی می‌شود، اما وقتی دشمنی با آمریکا کمرنگ شد، با خلق و خوی او هم مبارزه نمی‌شود و این خلق و خوی استکباری ارزش می‌شود و ارزش‌های معنوی را کمرنگ می‌کند

به دنبال کمرنگ شدن مرز بدی‌ها، معیار و شاخص در ایجاد اتحاد از بین می‌رود و مرزهای اتحاد به اختلاف تبدیل می‌شود؛ چون وقتی مردم متحد می‌شوند که دشمن بیرونی داشته باشند و بدون دشمن واحد، اتحاد از بین می‌رود. به همین خاطر است که الان آمریکایی‌ها برای اینکه بتوانند مردمشان را کنترل کنند و سر و صداهای داخل کشور را بخوابانند، گاهی جنگ‌های بیرونی راه می‌اندازند و بدین وسیله آن‌ها را متحد می‌کنند؛ مثلا برای ایجاد وفاق ملی در بین خودشان جریان یازده سپتامبر راه انداختند و به کشور افغانستان حمله کردند.[1]

در مقابل، جالب است که برخی در جمهوری اسلامی شیفته غرب هستند. شیفته یک دشمن واقعی که کینه‌اش آشکار است و همیشه این دشمنی را ابراز می‌کند که چندی پیش در مجامع بین المللی گفته‌اند: ما آن‌قدر از ایران اسلامی نفرت داریم که در صدد از بین بردن ژنتیک آن‌ها هستیم[2]، آن وقت عده‌ای برای نزدیک شدن به دشمن له‌له می‌زنند! مواظب باشیم کاری نکنیم

۱. علاوه بر این، یکی از حرکت‌های دشمن این است که می‌خواهد جریان اربعین را به یک منسک و عبادت صرف منتهی کند، مانند کنگره عظیم عبادی سیاسی حج که به یک عبادت صرف تقلیل پیدا کردا! امام خمینی (ره) تمام توان خود را برای اینکه مناسک حج را سیاسی کند، انجام داد، اما متأسفانه نگذاشتند و الان حج یک منسک و عبادت مانده است و خطری هم ندارد؛ لذا هرانداره جمعیت در حج جمع شود، خطری برای اسرائیل و آمریکا ندارد

۲. مقام معظم رهبری فرمودند: اگر امام فرمود آمریکا شیطان بزرگ است، به این خاطر است که آمریکا علاوه بر اینکه مانند شیطان وسوسه می‌کند، برای فروپاشی نظام اسلامی هم اقدام می‌کند

که با دست خودمان مرزهای دشمنی را از بین ببریم و وحدت بین مؤمنین را تخریب کنیم

در حال حاضر، یکی از نقشه‌های دشمنان این است که در جریان اربعین عده‌ای عامدانه مرزهای دشمنی را به سمت مرزهای جغرافیایی ببرند تا آثار وحدت‌آفرین اربعین را تحت‌الشعاع قرار دهند. برای تحقق این نقشه در سال‌های قبل می‌خواستند به چند زن از قومیت‌های دیگر به خصوص ایرانی، در جریان اربعین جسارت شود تا با این جسارت‌ها بر انگیختگی جدی مقابل اربعین ایجاد کنند و اربعین را تحت‌الشعاع قرار دهند ولی الحمدلله موفق نشدند

## فصل چهارم:

# راه‌های تقویت اربعین

## مقدمه

در فصل گذشته، پیرامون حقیقت اربعین و جایگاه این حرکت در نظام دین مطالبی را ذکر کردیم و بیان کردیم که هرچقدر روی این بحث کار کنیم، بهتر می‌توانیم ظهور را نزدیک کنیم

پس باید تمام همت و تلاش خودمان را صرف کنیم تا عناصری که در این معدن عظیم به کار رفته است را بشناسیم و بدانیم که اربعین مانند معدنی است که تا به حال خدای سبحان این معدن را ذخیره کرده و کم‌کم بعضی از عناصرش را برای ما استخراج می‌کند و هنوز قسمت اعظمی از آن برای ما مخفی شده است

در این فصل می‌خواهیم در رابطه با راه‌های تقویت اربعین نکاتی را بیان کنیم تا بدین‌وسیله بتوانیم بیشترین بهره را از این معدن عظیم الهی ببریم

## الگوگیری از اربعین

جریان اربعین، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ‌ها گاهی مدافع هستند و تمام توان خود را صرف این می‌کنند که خودشان را حفظ کنند و گاهی هم مانند اربعین مهاجم می‌شوند و سایر فرهنگ‌ها را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند. حال مسأله اینجاست که چگونه فرهنگ اربعین یک فرهنگ مهاجم است و چه عواملی وجود دارد که این فرهنگ در برابر تمام اصطکاکات می‌تواند جلو برود و به فرهنگ‌های خمود دیگر حمله‌ور شود؟

مجموعه عوامل و پارامترهایی در کنار هم قرار گرفته است که اربعین را به یک فرهنگ مهاجم تبدیل می‌کند. جریان

اربعین فقط محدود به یک هفته پیاده‌روی نیست، بلکه الگویی است تمام عیار که اگر برنامه‌ریزی صحیحی روی آن انجام شود، می‌تواند در سایر مکان‌ها نهادینه شود

شما در سال‌های اخیر راهپیمایی ده‌کیلومتری شهر تهران را روز غدیر دیده‌اید، همچنین رزمایش عظیمی را که مردم قم برای خدمات به زوار مسجد جمکران در روز نیمه‌شعبان انجام می‌دهند، مشاهده کرده‌اید یا حتی راهپیمایی جاماندگان اربعین را در ایران دیده‌اید. این مدل‌ها نشان می‌دهد که می‌توان این الگو را در زمان‌ها و مکان‌های دیگر تسری داد

حتی می‌توان به صورت مستمر در جریان پنجشنبه‌های حسینی یا سه‌شنبه‌های مهدوی این الگو را پیدا کرد و همان خدمت، ضیافت، کمک و را در آن ایجاد کرد و خاصیتش این است که می‌توان این جریان را در هر محله و کوچه اجرا کرد و در طی سال از آثار آن بهره برد و با آن زنده کرد.[۱] البته الگوگیری از این جریان فقط منحصر به خدمت‌رسانی در پیاده‌روی نمی‌شود و باید روی ابعاد مختلف آن تحقیق و مطالعه کرد تا زمینه‌های مختلف فکری، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی‌اش را استخراج کرد و تسری داد

## لایه‌های الگوگیری از اربعین

جریان اربعین در حال تشکیل مرزهای جدیدی در جهان است و در سه لایه الگوسازی دارد. ما باید هر سه نوع آن را شناخته و به طور مجزا اشاعه دهیم. این

---

۱. جالب اینجاست که این فرهنگ مهاجم نه تنها در ایران تسری پیدا کرده، بلکه در همه جهان از آن الگوگیری می‌شود؛ به عنوان نمونه، امسال روز عاشورا در کشور آمریکا به این سبک پذیرایی می‌کنند

مرزها عبارتند از

- **مرز انسانیت:** مخاطب این لایه همه انسان‌ها هستند و مختص به دین نیست. در این نگاه، مفاهیمی مانند تقابل حق و باطل یا تقابل عدالت و ظلم باید مورد بررسی قرار بگیرد

جریان عاشورا، همان خون جوشانی است که خونخواهی را در نفس انسان زنده می‌کند و از قلب هر انسانی می‌جوشد؛ لذا اگر با این نگاه جریان اربعین را به جهانیان معرفی کنیم، اربعین محدود به کشور عراق و ایران نمی‌شود و همه ملیت‌ها را در بر می‌گیرد

از زمان رنسانس که مسیحیت عقب‌نشینی کرد، قومیت‌گرایی‌ها، ملیت‌گرایی‌ها و مرزهای جغرافیایی شدیدتر شد. جنگ‌های بین‌المللی برای مرزهای جغرافیایی راه افتاد و این مرزها، تکثرها و تنوع‌ها روزبه‌روز شدت پیدا کرد. در این میان اربعین آن حقیقتی است که دارد با زبان فطرت همه را به سمت توحید می‌برد و همه تکثرها و تنوع‌ها را می‌شکند

پس باید به جریان اربعین به چشم یک انقلاب جهانی نگاه کرد که همه را آماده ظهور می‌کند؛ چون شعارهای اربعین در سطح فطری با تمام شعارهایی که برای ظهور داده شده است، سازگار است

جالب اینجاست که بسیاری از حالاتی که در ظهور اتفاق می‌افتد، در زمان اربعین پیش می‌آید؛ به عنوان مثال جیب‌ها با هم یکی می‌شود، ارتباطات با هم صمیمی می‌شود و کدورت‌ها کم می‌شود. اینها کار ساده‌ای نیست و حتماً خدای سبحان، قلوب

را تالیـف داده اسـت تـا ایـن کار تشـکیلاتی عظیـم شـکل بگیـرد

● **مـــرز اسلامی:** اربعیـــن در مقابـل تمـام اندیشـه‌های موهـوم دیـنی می‌ایسـتد و آن‌ها را تغییـر می‌دهـد؛ چـون مـا غالبـاً دیـن را بـه صـورت حداقـلی نـگاه می‌کنیـم و بهـره انـدکی از آن می‌بریـم، امـا اربعیـن در مقابـل ایـن اندیشـه‌های موهـوم می‌ایسـتد و فرهنـگ صحیـح اسلامی را بـه مـا می‌آمـوزد.

● **مـرز ولایی** کـه بـر محـور محبـت و بغـض فی الله اسـت. مکتـب امـام حسیـن (ع) در عیـن اینکـه رفـق و مـدارای آن بـا مظلومیـن در اوج اسـت، مقابلـه بـا ظالمیـن و لعـن بـه اعـدا هـم در اوج اسـت. لـذا در ایـن سـطح بایـد حـب و بغض‌هـا را بـر محـور امـام ایجـاد کـرد

البتـه محبـت و بغـض در تمـامی لایه‌هـا محـور اسـت و اگـر نبـود، ایـن شـدت حرکـت تهاجـمی ایجـاد نمی‌شـد، ولی در ایـن لایـه بـروز و ظهـور بیشـتری دارد. لـذا شـما حـتی در لایـه انسـانی هـم محبـت و بغـض داریـد. محبـت بـه عدالـت و بغـض بـه ظلـم و جـور

## مردمی‌بودن اربعین

یـکی از مهم‌تریـن عناصـری کـه اربعیـن بـه مـا یـاد می‌دهـد و بایـد روی آن تحقیـق بیشـتری صـورت بگیـرد، مـردمی بـودن اربعیـن اسـت. واقعـاً اگـر یـک دولـتی بـا همـه عظمتش بخواهـد چنیـن حرکـتی را شـکل بدهـد، بسیـار بایـد هزینـه صـرف کنـد تـا موفـق شـود؛ ولی وقـتی سـازماندهی ایـن حرکـت از جنـس حرکـت مـردمی می‌شـود، رشـد فزاینـده‌ای ایجـاد می‌شـود

اصـولاً جریـان خصوصی‌سـازی بـر اسـاس منفعت‌طلـبی اسـت و جریـان دولـتی، سیطـره

و نظارت همه جانبه دولت را به همراه دارد؛ اما وقتی اداره حرکت به مردم سپرده می‌شود، اقتصاد، فرهنگ، سیاست و هنر جدیدی را بنیان‌گذاری می‌کند که قابل مقایسه با جریان خصوصی و دولتی نیست. لذا باید تک‌تک نمادها، هنجارها و ارزش‌های جریان اربعین را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم و طبق آن برای حاکمیت مدل‌سازی کنیم

نکته دیگری که از این حرکت می‌توان برداشت کرد این است که اگر می‌خواهیم حرکتی را در جامعه راه بیندازیم بر روی توده مردم حساب کنیم نه روی خواص! معمولا نگاه ما نسبت به تحولات این‌گونه است که تغییر در جامعه از خواص شروع می‌شود، اما حقیقت آن است که اگر جامعه را به ده دهک تقسیم می‌کنند و یک دهک را دهک فرهنگی و یکی را دهک ضد فرهنگ می‌نامند، همیشه هشت دهک میانی است که دو دهک دیگر را جهت‌دهی می‌کند

لذا باید جریان‌های ما از جریان اربعین تاثیر بگیرد و با حضور مردم پررنگ شود. این حضور پررنگ باعث قوام دل‌ها در ارتباط با دین می‌شود و بین دل‌ها اعتماد به نفس ایجاد می‌کند تا افراد بیشتری با این خیل عظیم همراه شوند.

پس بر همه ما لازم است که این حرکت خودجوش مردمی را به صورت دقیق مورد بررسی قرار دهیم و سوار بر این موج عظیم شویم تا به وسیله آن بتوانیم مدل‌های مردمی دخالت در حاکمیت را بیابیم و آن را اشاعه دهیم.

جریان اربعین، مصداقی‌ترین حرکت حول

محور عاشوراست. اگر سخنرانی یک حرکت مفهومی است و کم‌کم با روضه و سینه‌زنی به سمت مصداقی کردن آن مفهوم پیش می‌رویم، الان با یک بستر عظیم روبرو هستیم که یک حرکت جامع مصداقی است و در آن حضور همه‌جانبه فرد را می‌طلبد. لذا این حرکت را دست کم نگیریم و به فکر این باشیم که توان آن را افزایش دهیم.[1]

## تفاوت‌های حج و اربعین[2]

تنها جریانی که در مردمی‌سازی می‌توانست به جریان اربعین نزدیک باشد، حج است. البته تفاوت این دو بسیار زیاد است و اصلاً قابل قیاس نیست، اما خوب است برخی از این تفاوت‌ها را ذکر کنیم

**۱- قدرت تاثیرگذاری:** در جریان اربعین طوایف مختلف جذب می‌شوند و محدودیت سنی یا محدودیت هزینه‌ای ندارد. اما حج این‌گونه نیست و باید شما مستطیع شوید و بسیار هزینه کنید تا به حج بروید

**۲- تکلیفی نبودن:** حج، فریضه الهی است و به صورت تکلیف بر انسان بار می‌شود، همچنین روال در حج این‌گونه است که اگر دست از پا خطا کنی باید کفاره بدهی اما اربعین یک حرکت شوقی است و جذابیتی برای انسان دارد که نفس انسان با اشتیاق به تجلی صفات اخلاقی می‌پردازد

۱. من مکرر به دوستان در سفر اربعین می‌گفتم: حتما از همه شعرها و نمادها و شکل‌ها عکس بیندازید و همه را ثبت کنید؛ چون در تحلیل اربعین خیلی به درد می‌خورد. متأسفانه دشمن در حال تحلیل جریان‌های اسلامی است و از آن مدل‌های جدیدی می‌سازد به عنوان مثال از انقلاب اسلامی مدل‌های انقلاب مخملی با نگاه سکولار را به وجود آورد. الان هم مطمئن باشید که اینها در حال مدل‌سازی هستند. ما غافلیم و فکر می‌کنیم جریان اربعین چیز ساده‌ای است. حقیقتاً جریان اربعین خیلی پیچیده است و ما چون درونش هستیم پیچیدگی‌های آن را احساس نمی‌کنیم

۲. ر.ک: قدم عاشقی، محمدرضا عابدینی، ص ۱۳۴.

**۳- عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی.** البته مناسک حج هم برائت از مشرکین دارد ولی چون حاکمیت وقت نمی‌گذارد، این برائت در ایام حج مصداقی شود، متأسفانه ما از این شعار محوری در حج محروم هستیم

**۴- لقای امام:** این در اربعین مشهود است، ولی در حج مشهود نیست. البته حقیقت حج، لقای امام است و اساساً شما در طواف و سعی و عرفات باید به لقای امام برسید و فطرت فرار از نقص را با برائت از مشرکین قانع کنید، اما متأسفانه جلویش را گرفتند و خدای سبحان، اربعین را زمینه‌سازی کرده است تا جایگزین حج در اقناع فطرت شوق به کمال و گریز از نقص قرار بگیرد و لقای امام را برای ما آسان کند

**۵- جمعیت:** در حج سالیانه سه میلیون جمعیت حضور دارد، اما در اربعین حسینی هر ساله بالای بیست و پنج میلیون زائر به زیارت کربلا می‌روند.

**۶- تلفات ناچیز:** با وجود ظرفیت‌هایی که دولت سعودی برای حج مهیا کرده است، دیدیم در جریان منا چه فاجعه‌ای به بار آورد ولی اربعین، تلفات چندانی به وجود نمی‌آورد. این واقعه نشان می‌دهد که اگر حرکت‌ها به مردم محول شود، ظرفیت عظیمی ایجاد می‌شود که قابل مقایسه با اداره دولت‌ها نیست

**۷- اقتصاد ولایی:** ما نمونه آن را در حج نمی‌یابیم؛ چون در حج، حرکت اقتصادی فردی است، اما در اربعین همه سرمایه‌گذاری‌ها در راستای حب‌الحسین است؛ لذا چون شوق مطرح می‌شود، منافع

مالی زایش پیدا می‌کند و تصاعدی بالا می‌رود و هر کسی دوست دارد خودش را با این جریان گره بزند

**۸- روح جمعی:** در مناسک حج عمدتاً اجتماعات کم روح شده است، اما در جریان اربعین، حیات جمعی حول امام موج می‌زند؛ چون در اربعین علیرغم اینکه قبیله‌ها وجود دارند، اما در برابر عظمت «حب‌الحسین یجمعنا» به چشم نمی‌آیند، اما در جریان حج، قبیله‌ها تشخص خود را حفظ کرده و در عین اینکه در جمع هستند هرکدام یک پرچم برمی‌دارند، مثلا مالیزیایی‌ها در ایام حج تعدادشان زیاد است. حفظ وحدت درونی می‌کنند و خیلی هم محکم‌اند، زن‌هایشان شلوار می‌پوشند و مردها دامن و دور زن‌ها را می‌گیرند. این نشان می‌دهد که در حج رنگ قبیله‌ها حفظ می‌شود اما در اربعین رنگ‌ها شکسته می‌شود.

البته بیان این تفاوت‌ها به معنای نفی مناسک حج نیست، بلکه بدین معناست که باید ما از اربعین الگو بگیریم تا هر حادثه‌ای را که در جهان وجهه دینی دارد، رشد دهیم و به سمت وحدت بکشانیم؛ لذا ما باید درصدد تحقق این الگوها در حج باشیم؛ چون امروزه دل‌های مردم از تشتت بیزار شده است و دنبال یک وجه وحدت هستند؛ لذا حج این زمینه را دارد که به وسیله آن الگوی اربعین تسری پیدا کند و به جهانیان معرفی شود

## اربعین و اقتصاد توحیدی

اربعین برای خودش اقتصادی ندارد، اما زیرساخت اقتصادی دارد؛ یعنی بنای تفکر

یک اقتصاد را ایجاد می‌کند. اقتصادی که بر اساس «تعاونوا علی البر و التقوی» است و بر این اساس دو نگاه اقتصاد دولتی و خصوصی را زیر سوال برده است؛ چون این اقتصاد مردمی هم اقتصاد منفعت‌طلبانه خصوصی را کنار می‌زند و هم به دولت‌ها اجازه ورود نمی‌دهد. جالب اینجاست که در اینجا مردم بدون هیچ چشم‌داشتی خرج می‌کنند تا به امام خود نزدیک شوند.[۱]

اقتصادی که اربعین به ما نشان می‌دهد اقتصادی بر اساس تعاونوا علی البر و التقوی است. این تعاون است که می‌تواند زیرساخت اقتصادی انقلاب اسلامی باشد و فرهنگ ساختارهای اقتصادی ما را تغییر دهد لکن این ساختار هنوز بسیط است و باید روی آن کار شود تا به یک ساختار مستقر تبدیل شود

به عنوان مثال، باید در راستای اربعین، وقف‌های عظیم ایجاد شود تا مردم به وسیله آن در طول سال با امام حسین علیه‌السلام ارتباط برقرار کنند و حرکت اربعین در طول سال زنده بماند؛ لذا منظور از ایجاد ارتباط فقط فضاسازی با علایم و نمادهای اربعینی نیست، بلکه زنده کردن این ارتباط در متن زندگی و مخصوصاً در اقتصاد روزانه است

همچنین از جمله کارهای خوبی که می‌توان در زمینه اقتصاد اربعین ایجاد کرد، تولید برندهایی با نام «اربعین» است تا مردم احساس کنند، این برندهای اقتصادی به جریان اربعین کمک می‌کند و سود فروش

۱. یکی از خادمین در مسیر می‌گفت: با خودم عهد کردم در این مسیر خدمت کنم و جزای مادی نگیرم بلکه از حضرت، لقای خودشان را بگیرم! این یک نگاه و تفکر اسلامی است که می‌تواند زیرساخت تفکر اقتصادی را برنامه‌ریزی کند و تمام ساختارهای اقتصادی منفعت‌طلبانه غرب را به هم بریزد

این کالاها وقف آن می‌شود تا در طول سال این یادگار بماند که اربعین زنده است

البته این الگوگیری منحصر به بخش اقتصادی نیست و باید در نظام اخلاقی، فرهنگی و حتی اعتقادی هم زیرساخت اربعین بررسی شود. وقتی اصل این زیرساخت‌ها و علائم تحلیل شود، معلوم می‌شود همه بر محوریت امام شکل می‌گیرد. این یک ساختار اعتقادی مصداقی است که تمام رفتار و گفتار و اعتقاد و اخلاق انسان بر اساس ارتباط با امام شکل بگیرد. این یک نظام توحید ولایی کاملا مجسم شده است.[1]

## سیطره اربعین بر فضای مجازی

حرکت اربعین می‌تواند مقابل تمام قدرت رسانه‌ای غرب که قهر و غلبه یافتند، قرار بگیرد و تبلیغات خود را غیر از فضای مجازی انجام دهد؛ چون ما در عصری هستیم که سلطه شبکه‌های مجازی خودش را به عنوان واقعیت می‌نمایاند، در این میان واقعیت اربعین ظهور می‌کند تا زندگی در یک زیست واقعی را به ما نشان دهد و ما را از هر عرصه مجازی جدا کند. پس باید این وجهه اربعین هم مورد بررسی قرار گیرد که چگونه بر سیطره فضای مجازی غالب شویم

با این نگاه، اربعین یک حرکت سیل‌آساست که فرهنگ غرب را تحقیر می‌کند و تمام مظاهر غرب را با خود همراه

۱. علت پیش‌روی این نظامات این است که مبتنی بر تکوین عالم بنا شده است و ما را به سمت وحدت سوق می‌دهد و چون اساس این حرکت‌ها وحدت است؛ همه قوای وجودی انسان‌ها را در یک مسیر قرار می‌دهد. در ابتدا قوای وجودی انسان در یک مسیر قرار می‌گیرد تا از درون، نزاع‌های درونی برطرف شود، سپس از بیرون نزاع‌های بیرونی هم به سمت وحدت می‌رود

می‌کند؛ لذا می‌توان اربعین را «بازگشتی به سوی واقعیت» نامید که تحمل گرسنگی، تشنگی، گرما و سرما و همچنین همراهی و تعاون مردم، همه در متن واقع است و جریان اربعین یک پاسخ قوی در مقابل حرکت مجازی است که امروزه دل‌های مردم را تسخیر کرده است

**نقص فرهنگی جریان اربعین**

با همه این تفاصیل، اربعین در زمینه حرکت فرهنگی نقص‌هایی دارد که باید بیشتر روی آن کار شود

- اربعین در خدمت‌رسانی و پذیرایی از زوار یک مدل برتر را معرفی می‌کند، اما در خدمات‌رسانی فرهنگی ضعیف است و باید متفکران جهان اسلام روی آن کار کنند که در کنار پذیرایی، جهت‌گیری فرهنگی واحدی در اربعین تقویت شود تا به وسیله اربعین این گفتمان در سراسر جهان منتشر شود؛ به عنوان مثال، مساله فلسطین و ظلمی که در مسلمانان در سال گذشته شده است، می‌تواند موضوعی باشد که در اربعین امسال بیشتر مورد توجه قرار گیرد
- دیگر اینکه در نسبت جریان اربعین با جبهه مقاومت در مسیر پیاده‌روی کمتر کار شده است و جای خالی آن حس می‌شود؛ لذا باید برای مردم تبیین کنیم که رابطه عمیقی بین جبهه مقاومت و جریان اربعین است تا این حد که جبهه مقاومت را از سنخ جریان اربعین معرفی کنیم

همچنین برای مردم خودمان تبیین کنیم که نه تنها جبهه مقاومتْ زاییده اربعین است، بلکه انقلاب اسلامی از سنخ اربعین است و عمده ساختارش را نگاه امام حسینی

تشکیل داده است تا مردم، انقلاب را ادامه حرکت سیدالشهدا (ع) ببینند. در ضمن باید حضور ایران را در جریان اربعین بیشتر کنیم؛ چون حضور دائم ایران باعث حفظ جریان اربعین است. البته حضور ایران نه به عنوان یک حرکت دیپلماتیک سیاسی، بلکه به عنوان یک تفکر شیعی که تحت رهبری و ولایت قرار دارد.[1]

## وضعیت فعلی دشمن در برابر اربعین

اصولاً حرکت‌های دشمن بر اساس یک برنامه‌ریزی دراز مدت است. برای اینکه دشمن به دوران ظهور، باور مصداقی دارد و می‌داند که برای مقابله با ظهور باید تمام توان خود را بگذارد. از صدر اسلام یهودی‌ها بهتر از مسلمانان پیغمبر را می‌شناختند و برای عدم تحقق آرمان‌های اسلام تلاش می‌کردند. به تعبیر قرآن کریم یهودی‌ها مانند فرزندانشان پیغمبر و حرکت ایشان را می‌شناختند.[2] امروز هم آن‌ها جریان ظهور را بهتر از ما می‌شناسند و برای مقابله با آن نقشه می‌کشند؛ لذا این ساده‌نگری است که سکوت فعلی دشمن را در مقابل اربعین به نشناختن آنها تفسیر کنیم. پس این سکوت ظاهری دشمن سه احتمال می‌تواند داشته باشد

- یکی اینکه دشمن می‌بیند قدرت مقابله

---

۱. مقام معظم رهبری توجه ویژه‌ای به جریان اربعین دارند؛ مثلا وقتی موکب‌های ایرانی داشتند آنجا به شدت رواج پیدا می‌کردند، ایشان به مسئولین موکب‌های ایرانی فرمودند: سعی کنید مهمان‌داری را از عرب‌ها نگیرید. میزبانی آن‌ها را حفظ کنید. و اگر ایران می‌خواهد مهمان‌پذیر باشد، با مشارکت عراقی‌ها باشد. همچنین پیغام دادند که عکس‌های مراجع ایران را در عراق نبرید تا خدای نکرده نزاع بین مراجع پیش بیاید و تدبیر کردند که عکس شهدا را نصب کنند؛ چون عکس شهدا اختلافات را می‌خواباند و مسئولین همین کار را کردند و الحمدلله اتحاد بیشتری بین مردم ایران و عراق حاصل شد

۲. سوره بقره / ۱۴۶: «یعرفونه کما یعرفون ابنائهم».

با این جریان عظیم را ندارد

- دیگر اینکه در حال نقشه‌کشی در مقابل جریان اربعین است، ولی هر چقدر نقشه می‌کشد، جریان اربعین زودتر آن را در خود هضم می‌کند و اربعین یک مرحله جلوتر می‌رود
- و در آخر اینکه نقشه ریخته و تجربه هم کرده است، اما چون هر نقشه‌ای که می‌ریزد در مقابل حرکت تهاجمی اربعین کم می‌آورد؛ لذا سکوت کرده است تا از تهاجمی‌تر شدن این حرکت جلوگیری کند

هر کدام از این سه احتمال را در نظر بگیریم، نشان از قوت اربعین و ضعف دشمن است، اما دشمن حتما یک جنگ احزاب در مقابل اربعین دارد، چون در آینده‌ای نزدیک، حیات و مماتش را وابسته به جنگ احزابش می‌بیند، لذا همه جبهه کفر با هم در مقابل اربعین قیام خواهند کردند. این قیام، دور نیست و برای آن روز باید برنامه داشته باشیم.[۱]

۱. این قیام ممکن است جنگ رسانه‌ای یا ایجاد یک مانعی از قدرت جهانی باشد همچنان‌که علیه ایران به عنوان یک فرهنگ و تمدن، این کار را کرده‌اند؛ لذا اگر شکل تمدنی و تهاجمی اربعین قوی‌تر شود، حتما بدانید سیل جنگ احزاب در مقابل این جریان قوی‌تر از حملات به ایران خواهد بود

تقدیم به حضرت زینب سلام الله علیها
به امید گوشه چشمی...